

مذهب و وثاقت اباصلت هروی (د ۲۳۶)

سعید طاووسی مسرور^۱

علیرضا دهقانی^۲

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۳۵

چکیده

اباصلت عبدالسلام بن صالح هروی (ح ۱۶۰-۲۳۶) در شمار محدثان مشهوری است که از امام رضا و امام جواد علیهما السلام حدیث نقل کرده است. واکاوی جنبه‌های مختلف زندگانی و شخصیت او، مانند بیان روابطش با امام رضا علیه السلام اندیشه‌های کلامی و به‌ویژه اختلاف نظرها بر سر مذهبش و نیز وثاقت او نزد علمای فریقین، خاصه با تکیه بر نظر دانشمندان رجال‌شناس سنی و شیعه، و همچنین اختلافات درباره محل مزار وی برعهده این نوشتار است. در این پژوهش، با استناد به منابع معتبر نشان داده‌شده که اباصلت در شمار آن دسته از محدثانی بوده که در آغاز مذهب سنت و جماعت داشته، اما بعدها به مذهب امامیه گروید و در شمار اصحاب خاص امام رضا علیه السلام درآمد.

کلید واژه‌ها

اباصلت هروی، اصحاب امام رضا علیه السلام مذهب اباصلت هروی.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). saeed.tavoosi@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق. alirezadehghani1375@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۳۰

پیشینه پژوهش

تاکنون تحقیقات قابل توجهی درباره اباصلت به رشته تحریر درآمده است؛ در میان کتاب‌ها می‌توان به پژوهشی درباره اباصلت هروی (مذهب و شخصیت)، نوشته سید حبیب‌الله حسینی و اباصلت هروی راوی آفتاب، نوشته سیدحسن حسینی و همکاران و در میان مقالات می‌توان به «اباصلت هروی» نوشته کاظم مدیرشانه‌چی، «مذهب اباصلت هروی از نگاه فریقین»، نوشته محمدحسن طبعی و «اباصلت ره‌یافته خراسان»، نوشته مهدی غلامعلی اشاره کرد. در ضمن، نتیجه جستجوی نگارندگان این بود که خاورشناسان و شیعه‌پژوهان غربی تاکنون تحقیق مستقلی راجع به اباصلت انجام نداده‌اند. واکاوی زندگی و شخصیت او از جهات مختلفی مانند اندیشه‌های کلامی وی، اختلاف درباره مذهب و وثاقت او نزد علمای فریقین، و نیز اختلاف در محل مزار وی برای پژوهشگران دارای اهمیت است.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۳۶

در این نوشتار، اگر چه مباحث ابتدایی یعنی نگاهی اجمالی به حیات اباصلت و بیان رابطه وی با امام رضا علیه السلام و در ادامه مروری بر آرای علمای رجال شیعه و سنی درباره وثاقت وی، با استفاده از منابع مفیدی که تاکنون نگاشته شده، ترتیب یافته اما کوشش شده تا آن منابع مورد بازنگری انتقادی قرار گیرد و مطالبی متقن همراه با نکاتی نو ارائه شود. بحث اصلی مقاله درباره مذهب اباصلت است که نسبت به پیشینه تحقیقاتی موجود، بحثی دقیق‌تر و مبتنی بر اطلاعات تاریخی و شواهد و قراین مختلف است، به نحوی که از هر گونه تسامح در حکم به تشیع یا تسنن اباصلت مانند اکتفا به بیان قول مشهور بین علما پرهیز شده و در این باره تنها به روایات معتبر (صحیح الاسناد یا موثق یا متواتر یا مستفیض) استناد شده و روایات غیر معتبر و ضعیف فقط به عنوان شاهد ذکر شده است. نحوه استفاده از دانش رجال در این مقاله خود می‌تواند نمونه‌ای باشد از کاربرد این علم در کمک به دانش تاریخ و امید است نقد این مقاله و روش به کار گرفته‌شده در آن از سوی تاریخ-پژوهان و رجال‌پژوهان سبب اعتلای هر دو دانش شود.

۱. نگاهی به حیات اباصلت هروی

نام کامل وی در منابع عبدالسلام بن صالح بن سلیمان بن ایوب بن میسر، با کنیه ابوالصلت ضبط شده، و تصریح شده که مولای عبدالرحمن بن سمره قریشی/قرشی است

(ابن حبان، کتاب المجروحین، ۱۳۵/۲؛ ابن شاهین، ۱۵۶؛ طوسی، رجال، ۳۶۲؛ خطیب بغدادی، ۴۷/۱۱؛ سمعانی، ۶۳۷/۵). درواقع یکی از اجداد اباصلت که با عبدالرحمن بن سمره از صحابه پیامبر ﷺ معاصر بوده، مولای او شده و بنا بر سنت رایج، نسل وی هم به عنوان مولای عبدالرحمن بن سمره شناخته می‌شده‌اند. این که بسیاری از رجالیان و مترجمان همچون مصادر مذکور در ترجمه اباصلت، لفظ قریشی و برخی عبشی (منسوب به طائفه بنی عبدالشمس) را آورده‌اند (ذهبی، تاریخ الاسلام، ۲۴۹/۱۷) از این روست که عبدالرحمن بن سمره از تیره بنی حبيب بن عبد شمس از زیرشاخه‌های قبیله قریش بوده است (ابن کلبی، ۵۵). البته روشن است که کاربرد لفظ مولی بر اجداد اباصلت به معنای برده و غلام نادرست است (نک. حسینی، حبیب‌الله، ۲۸-۳۲).

از آن جا که عبدالرحمن بن سمره بعد از فتح مکه در سال هشتم هجری ایمان آورده و به مدینه هجرت کرد، به احتمال فراوان اجداد اباصلت هم در مدینه اقامت داشته و زندگی می‌کرده‌اند؛ مؤید این احتمال، ولادت اباصلت در مدینه است (کشی، ۶۱۵). اما این که اباصلت در اصل از هرات بوده یا نه، در منابع اطلاعاتی یافت نشده است. ممکن است که اباصلت هم‌زمان با اقامت امام رضا (ع) در مدینه، در هرات ساکن بوده اما مدیرشانه‌چی احتمال داده که انتساب اباصلت به هرات از آن جهت است که پس از شهادت امام رضا (ع) در آن جا ساکن شده‌است (مدیرشانه‌چی، مزارات خراسان، ۴۸).

درباره تاریخ تولد اباصلت اختلاف هست. بنا بر این گزارش که اباصلت از کودکی مدت سی سال برای شنیدن حدیث نزد سفیان بن عیینه رفت‌وآمد داشته (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۴۴۸/۱۱)، تولد او را در محدوده سال‌های ۱۵۵ تا ۱۶۰ می‌توان تخمین زد؛ زیرا سفیان بن عیینه در سال ۱۹۸ (سمعانی، ۴۴۰/۱۳) و اباصلت نیز در سال ۲۳۶ (همو، ۶۳۷/۵) یا سال ۲۳۵ (ذهبی، تاریخ الاسلام، ۲۵۳/۱۷) درگذشت (برای تبیین این احتمال با تفصیل بیشتر نک. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۰۴/۴-۱۰۸). مؤید دیگر این فرض این است که سایر مشایخ اباصلت غالباً در اواخر سده دوم هجری درگذشتند، از جمله اسماعیل بن عیاش (د. ۱۸۱ق)، جعفر بن سلیمان ضبعی (د. ۱۷۸ق)، حماد بن زید بصری (د. ۱۹۹ق)، سلیمان بن حیان (د. ۱۸۹ق).

اباصلت را فردی رحال توصیف کرده‌اند که برای طلب علم سفر می‌کرد (ابن تغری بردی، ۲/۲۸۷). در شرح زندگی وی نوشته‌اند برای شنیدن حدیث به بصره، کوفه، حجاز و یمن سفر کرده است (سمعانی، ۵/۳۶۸). با توجه به این نکته و نیز استماع حدیث از ابن-عینیه درمی‌یابیم که اباصلت در دوران نوجوانی و جوانی بیشتر در عراق و کمتر در حجاز حضور داشته است. بنا بر گزارشی از عبدالله بن نمیر، اباصلت فردی ثروتمند بود که ثروتش را در اختیار مشایخ و اهل علم می‌گذاشت و آنها برایش روایت می‌کردند (خطیب بغدادی، ۱۱/۵۱؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۱/۴۴۸). شمار زیاد مشایخ کوفی اباصلت نشان می‌دهد که او بیشتر در کوفه و بصره حدیث شنیده و در بغداد به نقل حدیث پرداخته است (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۵/۶۱۴).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۳۸

اباصلت از مشایخ متعددی حدیث شنیده که از مهم‌ترین آنان می‌توان به سفیان بن عیینه، مالک بن انس، جعفر بن سلیمان ضبعی، شریک بن عبدالله نخعی و عبدالرزاق بن همام صنعانی اشاره کرد (برای فهرستی از مشایخ او نک. خطیب بغدادی، ۱۱/۴۷-۴۸؛ مزی، ۱۸/۷۳-۷۴). اباصلت از امام رضا و فرزندشان امام جواد علیهما السلام حدیث نقل کرده است. برخی از مشهورترین احادیثی که در اسنادشان نام اباصلت دیده می‌شود، این روایات است: «حدیث سلسلة الذهب» (صدوق، التوحید، ۲۴)؛ «تشکر از خلق، تشکر از خداست» (طوسی، الامالی، ۴۵۰)؛ «هرکس قدرت ندارد ایستاده نماز بگزارد نشسته ادا کند و...» (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۲/۶۸)؛ «ثواب روزه ماه رجب» (همو، فضایل الاشهر الثلاثة، ۳۹)؛ «روایت شهادت همه امامان شیعه، "مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ" (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۲/۵۸۵) و «دعای آخر ماه شعبان: «اللَّهُمَّ إِنِّ لَمْ تَكُنْ قَدْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَأَغْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ» (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۲/۵۱).

رَی فهرستی از راویان عامه که از وی روایت نقل کرده‌اند، ارائه کرده است (مزی، ۱۸/۷۵) که در میان آنان نام‌های احمد بن یحیی بن جابر بلاذری، ابوالفضل عباس بن محمد دوری و عبدالله بن محمد بن ابی الدنیا نیز دیده می‌شود. راویان شیعی از وی نیز بسیارند که از جمله آنان می‌توان به این افراد اشاره کرد: عبدالعظیم حسنی، ابراهیم بن هاشم قمی، ابوموسی عیسی بن مهران و ابوعبدالله محمد بن زکریا المعلم.

سعيد طاووسى مسرور، عليرضا دهقانى

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۳۹

اباصلت در اقامتگاه توس و پیش از شهادت امام رضا علیه السلام همراه ایشان بوده و گزارش تمهید امام علیه السلام برای تکفین را نقل کرده است (صدوق، الامالی، ۶۶۱؛ همو، عیون اخبار الرضا، ۲/۲۴۲). بر اساس گزارش‌های او، امام رضا علیه السلام به دست مأمون شهید شده است (ابوالفرج اصفهانی، ۴۶۰؛ صدوق، الامالی، ۵۲۶). همچنین وی گزارشگر خشم امام علیه السلام بر مأمون و نفرین وی از سوی امام علیه السلام در شهر مرو بوده است (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱/۱۸۴-۱۸۶). پس از شهادت امام رضا علیه السلام، مأمون، اباصلت را یک سال به زندان انداخت. ممکن است متهم کردن مأمون به قتل امام علیه السلام علت زندانی شدن وی باشد. مشخص نیست که وی در زندانی در توس یا شهر دیگری بوده ولی با کرامت امام جواد علیه السلام از زندان گریخت (همو، ۲/۲۴۲؛ همو، الامالی، ۶۶۱) و در نیشابور رحل اقامت افکند. بر اساس گزارش‌هایی که در دسترس ماست، اباصلت پس از دوره زندان، در نیشابور- پایتخت سلسله طاهریان - زندگی می‌کرده است و به نقل از محمد بن عبدالله بن طاهر حدیث معروف «الْإِيْمَانُ قَوْلٌ وَعَمَلٌ» (همو، الخصال، ۵۳/۱؛ طوسی، الامالی، ۳۶ با اندک اختلاف در تعبیر) را در مجلسی در این شهر نقل کرده است. این حدیث دو نکته مهم را بر ما آشکار می‌سازد اول آن که اباصلت در کنار شخصیت‌های بزرگ حدیثی آن زمان مانند احمد بن حنبل در نیشابور بوده و به سماع حدیث اشتغال داشته و دوم آن که رابطه حسنه‌ای میان او و طاهریان وجود داشته است. به نظر می‌رسد اباصلت دست‌کم به دو دلیل نیشابور را برای ادامه زندگی و اقامت خود برگزید؛ نخست آن که عبدالله بن طاهر امیر آن دیار خود مردی فاضل، علم‌دوست و اهل فرهنگ بوده و جایگاه ویژه‌ای برای دانشمندان در حکومتش قائل بوده است (گردیزی، ۲۰۴؛ حموی، معجم الادباء، ۱/۱۱۲ و ۹۲۶) و دوم تمایل طاهر و برخی فرزندان او به تشیع و رضایت آن‌ها از ولایت‌عهدی امام رضا علیه السلام (بیهقی، ۱۷۱) که می‌توانست محیط امنی برای اباصلت فراهم کند تا او به ترویج معارف رضوی بپردازد.

اباصلت هروی در ۱۴ شوال سال ۲۳۶ هجری از دنیا رفت (خطیب بغدادی، ۵۲/۱۱؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۴۴۸/۱۱). درباره محل آرامگاه وی سه احتمال داده شده است: بیرون شهر مشهد، شهر سمنان و شهر قم. در هر یک از این سه نقطه برای او دست کم از دوره قاجار بقعه و بارگاهی بوده است (اعتمادالسلطنه، ۲/۶۷۴). اما گویا گزینه حاشیه شهر

مشهد محتمل تر از بقیه باشد (نک. حسینی، حبیب الله، ۳۴۱ - ۳۵۱؛ حسینی، حسن و همکاران، ۲۵۴-۲۵۶).

۲. اباصلت و امام رضا علیه السلام

گزارش ابن نجار در ذیل تاریخ بغداد حاکی از آن است که اباصلت قبل از سفر به ایران با امام علیه السلام در مکه دار کرده است. بنا براین روایت، اباصلت عبدالسلام بن صالح هروی چنین گفته که با علی بن موسی الرضا علیه السلام در حج بودم که در موقف این گونه دعا می کرد: «اللَّهُمَّ كَمَا سَتَرْتَ عَلَيَّ مَا لَمْ أَعْلَمْ فَأَغْفِرْ لِي مَا تَعَلَّمْتُ وَ كَمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ عِلْمُكَ فَلْيَسِّعْ عَنِّي عَفْوَكَ وَ كَمَا بَدَأْتَ بِي بِالْإِحْسَانِ فَأَتِمَّ نِعْمَتَكَ بِالْغُفْرَانِ...» (ابن نجار، ۱۳۸/۴؛ نیز نک. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۳۸۹/۹). با توجه به این که امام در راه بازگشت از سفر خراسان از دنیا رفت، این ملاقات می بایست قبل از سفر امام علیه السلام در سال ۲۰۱ اتفاق افتاده باشد. اگر این گزارش قابل پذیرش باشد او پیش از سفر اجباری امام رضا علیه السلام به خراسان با آن حضرت آشنایی داشته است اما آن چه قابل اعتماد است، ملاقات او با امام رضا علیه السلام در نیشابور در طی همین سفر امام علیه السلام است (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۸۳/۲-۱۸۴).

پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۴۰

بنا بر گزارش خطیب بغدادی، اباصلت در ایام مأمون، به قصد غزا و جهاد با کفار از موطن خود خارج، و چون بر مأمون وارد شد به سبب بیان فصیح و آگاهی از علوم اسلامی مورد پسند او و در زمره نزدیکانش قرار گرفت (خطیب بغدادی، ۴۸/۱۱-۴۹؛ ابن جوزی، ۲۴۲/۱۱) و مأمون او را در رکاب خود به مرو برد (خطیب بغدادی، ۵۰/۱۱). بنابراین، اباصلت هنگام سفر امام علیه السلام به خراسان در مرو بوده و از آنجا به نیشابور آمده و از نیشابور با امام علیه السلام همراه شده است، چنان که احادیث سلسله الذهب را در نیشابور (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۳۴/۲؛ همو، الامالی، ۲۶۸)، نماز خواندن امام را در ده سرخ در مسیر نیشابور به سمت توس (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۳۶/۲)، حضور امام علیه السلام در سرخس (همو، ۱۸۳/۲) و ورودش را به توس (همو، ۱۳۷/۲) روایت کرده است.

هنگامی که امام علیه السلام به مرو وارد و از طرف مأمون مجبور به قبول ولایت عهدی شد، اباصلت هروی در آن شهر که مرکز خلافت مأمون به شمار می رفت، حضور داشت و در

سعيد طاووسى مسرور، عليرضا دهقانى

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۴۱

مجالس و محافلی که امام شرکت داشت ایشان را همراهی می‌کرد و احادیثی در همین بازه زمانی از امام رضا علیه السلام روایت کرده است، از جمله روایت دیدار امام با دعبل خزاعی شاعر قصیده مشهور با مطلع «مدارسُ آیاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةٍ» (همو، ۲/۲۶۳).

اباصلت از آنجاکه در مرو پیوسته در محضر امام علیه السلام بوده (حسینی، حبیب الله، ۲۲۵) در افواه و حتی در برخی منابع به خادم آن حضرت مشهور شده است، در حالی که وی خادم امام علیه السلام به معنای غلام زر خرید نبود و نامش در ردیف اصحاب و راویان آن حضرت ذکر شده است (برای نمونه نک. نجاشی، ۲۴۵؛ ابن شهر آشوب، ۴۳۸). حتی خطیب بغدادی که نخستین بار در قرن پنجم گزارشی نسبتاً کامل از او ارائه کرده از چنین عنوانی برای وی استفاده نکرده است. اولین بار قطب‌الدین راوندی (د ۵۷۳) او را خادم حضرت معرفی کرده (راوندی، ۳۵۲/۱) و پس از آن مزی (۶۵۴-۷۴۲، ۷۳/۱۸) و برخی دیگر (نباطی عاملی، ۱۹۸/۲؛ نیز نک. حسینی، حسن و همکاران، ۳۰ به نقل از ابن حجر عسقلانی و ذهبی) چنین نوشته‌اند. البته در تاریخ نیشابور، اثر ابو عبدالله حاکم نیشابوری (د. ۴۰۵) نیز چنین عنوانی ذکر شده است (حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور، ۹۰). اما به باور شفيعی کدکنی (حاکم نیشابوری، پیشگفتار) از آنجا که اصل کتاب در دست نیست و آنچه هست باقی‌مانده ترجمه و تلخیص تغییر یافته متعلق به قرن هشتم است نمی‌توان اطمینان یافت که در اصل متن حاکم نیز این مطلب ذکر شده بوده است یا نه. از طرف دیگر در منابع متقدم که افرادی با لقب خادم الرضا معرفی شده‌اند مانند یاسر الخادم (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۴۵۳/۴؛ نجاشی، ۴۵۳)، محمد بن عبدالله خراسانی (کلینی، ۲۵/۱)، محمد بن زید رزامی (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۵۳۴/۴)، موفق الخادم (خصیبی، ۳۰۰) و نادر (صدوق، فضایل الاشرع الثلاثة، ۹۸) از اباصلت با عنوان خادم یادی نشده است.

۳. مذهب و وثاقت اباصلت

۳. ۱. بررسی اقوال علمای شیعه

از میان رجالیان متقدم، طوسی اشاره‌ای به وثاقت اباصلت نکرده و او را از عامه دانسته است (طوسی، رجال، ۳۶۰؛ نک. ابن داوود، ۲۵۷). بر خلاف طوسی، نجاشی او را ثقه و

صحیح الحدیث دانسته و اگرچه هیچ اشاره‌ای به عامی بودن او نکرده اما تصریح به امامی بودن او نیز نکرده است (نجاشی، ۲۴۵). برخی گفته‌اند چون نام کتاب نجاشی فهرست اسماء مصنفی الشيعة است پس هرکس ترجمه احوالش در این کتاب آورده شده باشد، حتماً شیعه است مگر آن که نجاشی تصریح به خلافتش کرده باشد (کلباسی، محمد، ۲۰۲/۳؛ بحرالعلوم، ۱۱۴/۴-۱۱۶؛ خوئی، معجم رجال الحديث، ۱۰۳/۱) اما این مبنا محل اشکال است، زیرا افرادی در فهرست نجاشی معرفی شده‌اند که عامی بودنشان مسلم است، اما نجاشی درباره مذهبشان سکوت کرده، مانند حفص بن غیاث (محسنی مری و آزادی، ۵۷۰/۱۳)، ابومعشر مدنی (نجاشی، ۴۵۷؛ شوشتری، ۳۴۵/۱۰) و ابوعلی حرانی که همان حسن بن محمد بن اعین (د ۲۱۰)، مولایم عبدالملک بنت مروان و از محدثان اهل تسنن و از شاگردان زهیر بن معاویه است که روایاتش در صحیحین و سنن نسائی آمده است (ابن حبان، الثقات، ۱۷۱/۸؛ صفدی، ۲۱۴/۱۲؛ علوی حسینی، ۳۲۹/۱). این شواهد نشان می‌دهد که نجاشی غالباً به مذهب غیر امامیان اشاره کرده و سکوت وی درباره مذهب یک فرد، از جمله درباره اباصلت، نشان تشیع آن فرد نمی‌تواند باشد.

از نظر کرباسی، معنای کلام نجاشی این است که آنچه در احادیث وی بر فساد مذهب دلالت کند، وجود ندارد (کرباسی، ۳۲۶). اما این نظر درست نیست، زیرا مسلک قدما عمل به خبر «موثوق به» بوده است و فرد ثقه می‌تواند امامی یا غیرامامی باشد. به عبارت دیگر وثاقت را با مذهب ملازم نمی‌دانستند (طوسی، عدة الاصول، ۱۴۹/۱).

بنا بر مطالب پیش گفته، این که برخی، از جمله شهید ثانی و فاضل جزائری از اطلاق کلام نجاشی، امامی بودن اباصلت را نتیجه گرفته‌اند (نک. جزائری، ۱۰۷/۱، ۱۰۸/۲) دلیل قابل قبولی نیست، زیرا آنان در مواجهه با متن نجاشی، از اصطلاح ثقه معنایی تصور کرده‌اند که آن معنا از زمان علامه حلی به بعد، یعنی متأخرین، رایج شده و با کاربرد این اصطلاح نزد قدمایی چون نجاشی تفاوت بسیار دارد (نک. علوی عاملی، ۱۹۶/۲). پس اثبات امامی بودن اباصلت به دلایل دیگری جز اطلاق کلام نجاشی نیاز هست.

پس از نجاشی و طوسی، علامه حلی ابتدا درباره اباصلت می‌نویسد: راوی امام رضا علیه السلام بوده و ثقه و صحیح الحدیث است (حلی، خلاصة الاقوال، ۱۱۷)؛ وی سپس در

سعيد طاووسى مسرور، عليرضا دهقانى

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۴۳

بخش کنیه‌ها می‌نویسد ابوالصلت خراسانی از عامه و از اصحاب امام رضا علیه السلام بود و بکر بن صالح از او روایت می‌کند (همو، ۲۶۷). به نظر می‌رسد میان دو عبارتی که علامه برای اباصلت به کار برده منافاتی وجود ندارد. اگرچه علامه اباصلت را عامی دانسته ولی به دلیل وثاقتش به خبر وی اعتماد دارد. علامه درباره افراد ثقه غیرامامی دیگری نیز چنین مبنایی دارد، از جمله اصرم بن حوشب بجلی (همو، ۲۰۷)، یحیی بن سعید قطان (همو، ۲۶۵) و فضیل بن عیاض (همو، ۲۴۶).

شهید ثانی با عامی شمردن اباصلت مخالف است و بر نوشته علامه چنین تعلیقه زده است: با توجه به روایت کشی از دو طریق عامی، از ابن نعیم (صورت مغلوط: ابن معین) و از احمد بن سعید رازی که او را ثقه و مأمون علی الحدیث توصیف می‌کنند، روشن می‌شود که وی با اهل سنت مخالطه و مراوده داشته و اخبار آنان را روایت می‌کرده است؛ به همین سبب امر بر شیخ طوسی مشتبّه شده و او را عامی معرفی کرده است (شهید ثانی، ۳۱۱/۴-۳۱۲؛ نیز نک. اعرجی، ۳۴۸/۱؛ نراقی، ابوالقاسم، ۹۳؛ بنی‌فضل، ۱۷۱). برخی رجالیان متأخر نیز بر این نظرند که حق این است که اباصلت تشیع خود را مخفی نمی‌کرده بلکه آشکارا ابراز و کرامات ائمه را برای مخالفان بازگو می‌کرده است و به همین دلیل، برخی از عامه او را قدح و سرزنش کرده‌اند (مجلسی، محمدتقی، ۳۷۹/۱۴؛ خوئی، معجم رجال الحدیث، ۱۸/۱۰). برخی از این هم فراتر رفته وی را معتد امام و از اصحاب سرّ آن حضرت خوانده‌اند (استرآبادی، ۳۷۴/۶؛ کاظمی، ۴۱/۲).

برخی از قائلان به امامی بودن اباصلت، کلام طوسی در عامی بودن او را سهو القلم و اشتباه (مامقانی، ۱۵۱/۲؛ خوئی، معجم رجال الحدیث، ۱۹/۱۱؛ همو، موسوعة الامام الخوئی، ۳۱۸/۲۱) و برخی توهم (بحرانی، ۲۲۲/۱۳) دانسته‌اند. طبسی با توجه به این که طوسی در مباحث مقارن و تطبیقی بین مذاهب اسلامی خبره و کارشناس بوده، اتهام سهو قلم یا اشتباه در این باره را نمی‌پذیرد (طبسی، ۲۲، ۲۸) اما اشتباه کردن طوسی اولاً محتمل است و ثانیاً در عمل هم اشتباهاتی در آثار او دیده می‌شود، اشتباهاتی چون حذف و تقطیع اسانید و متون و وقوع تصحیف و تحریف که البته شمارشان اندک است (مجلسی، محمدتقی، ۴۰۵/۱۴؛ بحرانی، ۱۵۶/۳؛ سبحانی، ۳۹۴). توجیه برخی دیگر آن است که

شیخ درباره اباصلت اطلاعات کافی نداشته است (کلباسی، ابوالهدی، ۱۶۳/۱) و برخی گفته‌اند ظاهراً شیخ کتاب وفاة الرضا^۱ را ندیده که او را عامی دانسته است (مجلسی، محمدتقی، ۳۷۹/۱۴). نکته دیگری که برای عدم پذیرش نظر طوسی می‌توان ذکر کرد این است که ظاهراً رجال طوسی، مسودات یادداشت‌های او بوده و فرصت تکمیل و بازبینی آن را پیدا نکرده است. شاهد آن که درباره بسیاری از راویان به ذکر نام آنان اکتفا کرده و توضیحی نداده است (بروجردی، ۲۳۱/۳؛ سبحانی، ۷۱؛ سیستانی، ۱۰۳/۲). افزون بر اینها برخی از نسخ خطی رجال طوسی اساساً فاقد عنوان اباصلت است (نک. طوسی، رجال، ۳۶۰، پانویس ۱).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۴۴

برای رفع ابهام درباره مذهب اباصلت، بهترین راه مراجعه به روایاتی است که از اباصلت نقل شده و گواهی می‌دهد که وی بر مذهب اهل بیت بوده است^۲ (علیاری تبریزی، ۱۵۵/۵؛ نمازی شاهرودی، ۴۳۲/۴).

اما درباره وثاقت وی می‌توان گفت که وثاقت وی مورد پذیرش غالب امامیه است و رجالیان متعددی به وثاقتش تصریح کرده‌اند (برای نمونه نک. ابن شهید ثانی، ۴۴۶؛ اردبیلی، ۴۵۶/۱؛ مجلسی، محمدباقر، ۱۰۲؛ حر عاملی ۴۰۲/۳۰؛ حائری مازندرانی، ۱۲۳/۴-۱۲۹؛ شوشتری، ۱۶۰/۶-۱۶۵؛ خوئی، معجم رجال الحديث، ۱۸/۱۱-۱۹ و همو، موسوعة الامام الخوئی، ۳۱۷/۲۱-۳۱۸). در برخی از کتب فقهی امامیه متقدم و متأخر این فتوا آمده که اگر روزه‌داری در ماه رمضان به عمد به مفطری حلال افطار کند یک کفاره و اگر به مفطر حرام افطار کند باید کفاره جمع بپردازد. مستند این فتوا روایتی از اباصلت است که مفاد آن دلالت بر وجوب کفاره جمع دارد. (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۳۷۸/۳؛ همو، عیون اخبار الرضا، ۳۱۴/۱) برخی از فقها با این روایت معامله صحیح کرده‌اند. فقهایی چون علامه حلی (حلی، تحریر الاحکام الشرعیة، ۳۷۳/۴)، فاضل نراقی (نراقی، احمد، ۵۲۳/۱۰)، شیخ انصاری (انصاری، ۹۴) و سید عبدالاعلی سبزواری (سبزواری، ۱۵۴/۱۰-۱۵۵) این حدیث را صحیح ارزیابی کرده‌اند. فقهایی چون فاضل سیوری (سیوری، ۳۶۵/۱)، فاضل هندی (هندی، ۱۲۸/۹)، یوسف بحرانی (بحرانی،

۱ درباره این کتاب و دلالت محتوایش بر امامی بودن اباصلت، نک. ادامه مقاله.

۲. این روایات در ادامه مقاله بررسی خواهند شد.

♦ سعید طاووسی مسرور، علیرضا دهقانی

۲۲۱/۱۳) و سید محسن حکیم (حکیم، ۳۴۵/۸) نیز بر اساس همین خبر اباصلت فتوا داده‌اند و معلوم است که وثاقت وی نزد آنان ثابت بوده است.

۲.۳. بررسی اقوال علمای اهل تسنن درباره مذهب و وثاقت وی

برخی رجالیان اهل سنت، به تشیع اباصلت تصریح کرده‌اند (نک. ادامه مقاله)، اما این تصریحات آنان به تنهایی نشان نمی‌دهد که اباصلت شیعه امامی بوده است، زیرا شیعه در اصطلاح آنان شامل افرادی می‌شود که شیخین را قبول داشته، اما امام علی ع را افضل از شیخین بدانند یا محب اهل بیت بوده و به نقل فضایل ایشان اهتمام داشته باشند (نک. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۸۱/۱ - ۸۲)؛ مثلاً درباره قاضی ابوبکر محمد بن عمر بن محمد تمیمی بغدادی جعابی (د ۳۵۵) این الفاظ را به کار برده‌اند: «ومذهبه فی التشیع معروف» (خطیب بغدادی، ۲۳۷/۳) و «وَهُوَ شِيعِي» (ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ۴۰۸/۷). این در حالی است که از شرح حال او در همان منابع هویداست که او سنی متشیع بوده و سنیان روایاتش را نمی‌پسندیده‌اند. به‌علاوه وی آثاری چون کتاب الشیعة من أصحاب الحديث و طبقاتهم، کتاب طرق من روی عن أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّهُ لَعَهْدُ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ إِلَيَّ أَنْ لَا يُحِبَّنِي إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يَبْغَضُنِي إِلَّا مُنَافِقٌ، کتاب ذکر من روی مؤاخاة النبی لأمیر المؤمنین ع و کتاب من روی حدیث غدیر خم نوشته بوده (نجاشی، ۳۹۵) و به جهت همین آثار و روایات او را شیعه دانسته‌اند.

درباره وثاقت یا عدم وثاقت اباصلت نزد اهل تسنن نیز به‌طور خلاصه علمای عامه سه نوع مواجهه با اباصلت داشته‌اند: توثیق و مدح، انتقاد از روایاتش در عین قبول وثاقت وی، تضعیف و بالاتر از آن طعن و ذم شدید (برای مروری اجمالی بر آرای رجالیان عامه، نک. مظفر، ۵۱/۳-۵۵).

۳. ۱.۲. برخی از مهم‌ترین موثقان و موافقان وثاقت وی

یحیی بن معین (د. ۲۳۳): «ثِقَّةٌ صدوقٌ أَلَّا إِنَّهُ يَشْتَرِعُ». نیز گفته: «ما أَعْرِفُهُ بِالْكَذِبِ» (خطیب بغدادی، ۴۸/۱۱). از نقل‌هایی که خطیب بغدادی آورده معلوم می‌شود که ابن معین اباصلت را به سبب نقل روایت «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا» -

معروف به روایت اعمش - تخطئه می کرده است، اما چون دریافت دیگران هم این حدیث را روایت کرده اند، به صداقت او پی برده، عبارات فوق را در توصیفش بیان کرده است. این توصیف ابن معین که معاصر و مجالس با اباصلت بوده بسیار اهمیت دارد و مورد توجه کشی نیز قرار گرفته است (کشی، ۶۱۵).

احمد بن سعید رازی: اباصلت ثقه و مأمون بر حدیثش است. او خاندان رسول ﷺ را دوست دارد و دین و مذهبش این است (کشی، ۶۱۶).

ابن ماجه (د. ۲۷۳): ابن ماجه به اسنادش از سهل بن ابی سهل، حدیث «الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَقَوْلٌ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» را از اباصلت نقل کرده و سخن اباصلت را که «لَوْ قُرِئَ هَذَا الْإِسْنَادُ عَلَى مَجْنُونٍ لَبَرَأَ» ذکر می کند (ابن ماجه، ۲۵/۱-۲۶) که تنها حدیث منقول از اباصلت در مجموعه صحاح سته اهل سنت است.

حاکم نیشابوری (د. ۴۰۵): وی پس از نقل حدیث «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا...» به اسنادی که در آن اباصلت حضور دارد می گوید: اسناد این حدیث صحیح بوده و اباصلت موثق و مورد اعتماد است (حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ۱۲۶/۳).

مزی: او را «ادیب فقیه عالم» خوانده است (مزی، ۷۷/۱۸، ۸۰).
ابن حجر عسقلانی: اباصلت ثقه و مورد اطمینان است، جز این که از وی روایاتی ناشناخته نقل شده است (تقریب التهذیب، ۶۰۰/۱).

۳. ۲. ۲. برخی از مهم ترین مضعّفان و مخالفان وثاقت وی

ابن ابی حاتم رازی: از پدرم (ابی حاتم محمد بن ادريس رازی) درباره اباصلت پرسیدم. گفت او فردی راستگو نیست و شخصی ضعیف است و از او روایتی برایم نقل نکرده است (ابن ابی حاتم رازی، ۴۸/۶).

ابن حبان بستی: ابن حبان در ترجمه امام رضا علیه السلام می نویسد: علی بن موسی الرضا از سادات اهل بیت و عقلا و اجلاى هاشمیان است و واجب است که حدیثش معتبر شمرده شود، هرگاه غیر اولاد و شیعیانش و خصوصاً اباصلت از او

سعيد طاووسى مسرور، عليرضا دهقانى

نقل کرده باشند، چه اخباری که اینان از او روایات کرده‌اند ابطال است و اشکال آنها برخاسته از اباضیت، شیعیان و اولاد اوست (ابن حبان، الثقات، ۴۵۶/۸).
ابن عدی جرجانی (د. ۳۶۵): وی اباضیت را به روایت کردن حدیث ازدواج آسمانی علی و فاطمه (ع) متهم کرده، می‌نویسد: اباضیت احادیث منکر در فضایل علی، فاطمه، حسن و حسین از عبدالرزاق روایت می‌کند که در نقل آن متهم است (ابن عدی، ۳۳۱/۵-۳۳۲).

ابونعیم اصفهانی (د. ۴۳۰): اباضیت از حماد بن زیاد، ابومعاویه محمد بن خازم ضریر، عباد بن عوام و دیگران احادیث منکر روایت می‌کند (ابونعیم، ۱۰۳).
شمس‌الدین ذهبی: او از بزرگان شیعه، دانشمندی فرهیخته، عابدی فاضل و باجلالت بود. ای کاش ثقه و مورد اعتماد می‌بود (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۴۴۶/۱۱). در جای دیگر نیز وی را شیعه‌ای متعصب خوانده است (همو، میزان الاعتدال، ۶۱۶/۲).

۳. ۲. ۳. مخالفان سرسخت وی

محمد بن اسماعیل بخاری صاحب صحیح و از معاصران اباضیت: بنا بر نقل مامقانی (۱۵۱/۲) و شوشتری (۱۵۹/۶) بخاری معتقد است که اباضیت ثقه نیست. حتی شوشتری می‌نویسد: به باور جُغفی [بخاری] اباضیت شیعه‌ای بد ذات است. اما با وجود تفحص در آثار مهم او از جمله صحیح، التاریخ الکبیر، التاریخ الاوسط و الضعفاء چنین نظری به دست نیامده است.

ابو اسحاق جوزجانی (د. ۲۵۹): او اباضیت را منحرف از راه حق، کج‌اندیش، دروغ‌گو، غرق در گناهان و زشتی‌ها معرفی می‌کند (حموی، معجم البلدان، ۲۸۲/۵).
وی درباره اباضیت به سبب روایاتی که در فضایل اهل بیت نقل کرده تعبیری توهین‌آمیز به کار برده است. عین عبارت آمیخته با رکاکت وی چنین است: «ابو الصلت الهروی کان زائِغاً عَنِ الْحَقِّ مَاثِلاً عَنِ الْقَصْدِ سَمِعْتُ مِنْ حَدَّثِي عَنْ بَعْضِ الْأَئِمَّةِ أَنَّهُ قَالَ فِيهِ هُوَ أَكْذَبُ مِنْ رَوْثِ حِمَارِ الدِّجَالِ وَ كَانَ قَدِيمًا مَتَلَوِّثًا فِي الْأَقْدَارِ» (جوزجانی،

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۴۷

۳۴۸/۱. در نقد سخن جوزجانی همین بس که برخی از خود هم‌مذهبان‌ش به او انتقاد جدی کرده و او را ناصبی دانسته‌اند (نک. ابن حبان، الثقات، ۸۱/۸؛ ابن عدی، ۳۱۰/۱؛ ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۵۹/۱؛ غماری شافعی، ۵۴). در واقع دشمنی اباصلت با بنی‌امیه و در شمار آنان خلیفه سوم (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۴۴۸/۱؛ همو، میزان الاعتدال، ۶۱۶/۲؛ مزی، ۸۱/۱۸) موجب شده تا ناصبیانی چون جوزجانی نتوانند او را تحمل کنند.

از همین اقوال روشن است که منشأ تضعیف اباصلت توسط غالب علمای اهل تسنن، اهتمام او به نقل فضایل اهل بیت است (حائری مازندرانی، ۱۲۸/۴؛ بصیری و منایی، ۶). بخشی از این روایات در قسمت بعد خواهد آمد و بر اساس آن‌ها شیعه بودن وی ثابت خواهد شد.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۴۸

۴. روایات حاکی از تشیع اباصلت:

در میان روایات منقول از اباصلت در منابع امامیه و حتی اهل تسنن، روایات متعددی یافت می‌شود که نشان‌دهنده شیعه‌بودن و پیروی وی از مذهب امامیه است، اما در اثبات شیعه‌بودن وی باید به روایاتی استناد کرد که اسناد آنها تا اباصلت معتبر باشد و نسبت آنها به اباصلت ثابت باشد. از این رو ابتدا روایات معتبر نشان‌دهنده شیعه‌بودن وی و سپس برخی روایات ضعیف به عنوان شاهد ذکر شده است:

- روایتی که در آخر آن، اباصلت در مجلس سرخس خطاب به امام رضا ع می‌گوید: "إِنَّا مُقَرَّبُونَ لَكُمْ" (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۸۳/۲-۱۸۴). برخی گفته‌اند اگرچه این عبارت تصریح به تشیع او دارد، اما چون شهادت به نفع خود انسان است مقبول نیست (علوی عاملی، ۱۸۵/۵). در پاسخ می‌توان گفت طبق عبارت "إِنَّا مُقَرَّبُونَ لَكُمْ" این از مصادیق اقرار است نه شهادت، و قاعده «إِقْرَارُ الْعُقَلَاءِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ جَائِزٌ» در اینجا جاری می‌شود. اسناد این روایت معتبر است و تنها اشکال ممکن، شاید اعتماد به قول بر عدم وثاقت احمد بن زیاد بن جعفر همدانی باشد؛ این اشکال وارد نیست، زیرا احمد بن زیاد بن جعفر ثقة است؛ هم به جهت تصریح صدوق به وثاقتش و هم کثرت استناد صدوق به وی و هم این که طعنی درباره وی نرسیده و جرح نشده و از مجموع

سعيد طاووسى مسرور، عليرضا دهقانى

این‌ها اطمینان به وثاقت وی حاصل می‌شود (نک. علیاری تبریزی، ۶۲/۲ - ۶۳؛ مامقانی، ۶۱/۱ - ۶۲؛ نمازی شاهرودی، ۳۱۸/۱ - ۳۱۹).

- امامان اهل بیت عالم به تمام لغات‌اند (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۲۲۸/۲). اسناد این روایت چنین است: احمد بن زیاد بن جعفر همدانی از علی بن ابراهیم بن هاشم از ابی‌الصلت هروی از امام رضا علیه‌السلام. این اسناد مرسل است، زیرا علی بن ابراهیم قمی بی‌واسطه از اباصلت روایت نمی‌کند، اما چون واسطه او و اباصلت همواره پدرش ابراهیم بن هاشم است، مشکل ارسال رفع شده و این روایت معتبر و نشان‌دهنده اعتقاد اباصلت به حجت الهی بودن امام رضا علیه‌السلام و دیگر امامان اهل بیت است.

- کتاب وفاة الرضا: کتاب وفاة الرضا تنها اثر مکتوبی است که از اباصلت گزارش شده و نجاشی طریقی برای آن ذکر نکرده است (نجاشی، ۲۴۵). اما به نظر می‌رسد صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا بخشی از روایاتی را که از وی درباره شهادت امام آورده، از این کتاب گرفته است، از جمله روایت مفصلی که اباصلت درباره شهادت امام نقل می‌کند (صدوق، الامالی، ۶۶۱؛ همو، عیون اخبار الرضا، ۲۴۲/۲). اسناد خبر مندرج در عیون اخبار الرضا شامل اسناد الامالی بوده و بدین صورت است: «محمد بن علی بن ماجیلویه و محمد بن موسی المتوکل و احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی و احمد بن ابراهیم بن هاشم و الحسین بن ابراهیم بن ناتانة و الحسین بن احمد بن ابراهیم بن هشام المؤدب و علی بن عبدالله الوراق قالوا حدثنا علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابی الصلت الهروی...». پیش از این، وثاقت احمد بن زیاد بن جعفر احراز شد و وثاقت او برای اعتبار این اسناد کافی است. به علاوه این روایت از طریق هفت نفر از مشایخ صدوق نقل شده که حداقل موجب استفاضه است و وثوق به صدور آن پیدا می‌شود. این روایت نیز نشان‌دهنده شیعه بودن اباصلت و قرب او به امام رضا علیه‌السلام است. او در همین روایت ضمن تأیید مقام امامت آن حضرت به انتقال این منصب به امام جواد علیه‌السلام تصریح دارد.

- توسل اباصلت به اهل بیت و خروج معجزه‌آسای او از زندان مأمون به کمک امام جواد علیه‌السلام (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۲۴۵/۲؛ فتال نیشابوری، ۲۳۰/۱). این روایت که صدوق آن را از هفت تن از مشایخش اخذ کرده، مستفیض و معتبر است.

- روایات ثواب زیارت قبر امام هشتم علیه السلام (صدوق الامالی، ۶۳؛ برای روایتی دیگر از اباصلت درباره ثواب زیارت امام رضا علیه السلام با اسناد غیر معتبر نک. صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۳۷/۲) که مشکلی در اسناد آن نیست، زیرا اطمینان به وثاقت محمد بن موسی بن المتوکل به جهت اکثار صدوق از او حاصل می‌شود (نام وی ۴۸ بار در مشیخه من لا یحضره الفقیه آمده است؛ نمازی شاهرودی، ج ۷، ۳۴۴) و ترجم و ترضی صدوق بر وی (خوئی، معجم رجال الحديث، ۲۸۴/۱۷). علامه حلی، ابن داوود و ابن طاووس نیز او را توثیق کرده‌اند (حلی، خلاصة الأقوال، ۱۴۹؛ ابن داوود، ۳۳۷؛ ابن طاووس، ۱۵۸).
- روایتی از امام رضا علیه السلام که در آن از انبیا و رسل و حجج علیهم السلام به وجه الله تعبیر شده و حضرت فاطمه علیها السلام حوراء انسیه معرفی شده است (صدوق، الامالی، ۴۶۱).

- علاوه بر این روایات معتبر، در روایات ضعیف الاسناد منقول از اباصلت هم شواهد متعددی بر شیعه‌بودن وی دیده می‌شود که برخی از این روایات عبارت است از:
- خطاب امام رضا علیه السلام به جمعی از یارانش با عبارت «معاشر شیعی» که از جمله آنها اباصلت بوده است (صدوق، فضایل الاشرع الثلاثة، ۹۸-۹۹).
 - حدیث گفتن اباصلت در مجلس عده‌ای از محدثین اهل سنت، از جمله اسحاق بن راهویه و عبارت مشهور وی در توصیف اسناد به «هذا سعوط المجانین هذا عطر الرجال ذوی الالباب»^۱ (طوسی، الامالی، ۴۴۹). جالب آن که این سعوط یا شفای که اباصلت ادعا کرده، به نظر ابن ابی حاتم رازی، محدث مشهور اهل سنت تجربه-شده است (غازی، ۷۱).
 - اباصلت به اسنادش از ابی ایوب انصاری روایت می‌کند هفت چیز مخصوص اهل بیت علیهم السلام است و به هیچ شخص دیگری اعطا نخواهد شد (نک. طوسی، الامالی، ۱۵۵).
 - قوام زمین به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است (مفید، الارشاد، ۴۸/۱-۴۹).

۱. این، داروی شفابخش دیوانگان و این بوی خوش مردان خردمند است.

سعيد طاووسى مسرور، عليرضا دهقانى

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۵۱

- اباصلت به اسنادش از ابی ثابت مولای ابوذر نقل می‌کند: "عَلِيٍّ مَعَ الْقُرْآنِ، وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ" (خطیب بغدادی، ۳۲۲/۱۴؛ نیز نک. امینی، ۱۷۷/۳).
- روایت علی قسیم النار و الجنة (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۴۶/۲؛ اربلی، ۳۰۹/۲).
- علی علیه السلام اولین دیدارکننده پیامبر صلی الله علیه و آله در قیامت (ابن عساکر، ۴۵/۴۲؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابة، ۳۰۷/۸؛ نیز نک. محمودی، ۴۰۲/۱).
- انتصابی بودن مقام امامت (صدوق، الامالی، ۶۸-۷۰؛ نیز نک. عطاردی، ۶۷/۱).
- اباصلت نقل کرده است که امام رضا علیه السلام به شعر مروان بن ابی حفصه: "اَنْتَیْ یَکُونُ وَ لَیْسَ ذَاکَ بِکَائِنٍ..." فکر کردند. محتوای این شعر اعتراض به غصب خلافت است (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۷۶/۲؛ مفید، الفصول المختارة، ۹۶).
- روایت احیای امر اهل بیت با تعلیم و تعلم معارف آنان (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۳۰۷/۱).
- حدیث «مَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي... قَالُوا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَا إِخْلَاصُ الشَّهَادَةِ لِلَّهِ؟ قَالَ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ وَلَايَةُ أَهْلِ بَيْتِ» (صدوق، التوحيد، ۲۴؛ طوسی، الامالی، ۷۵/۲).
- خصوصیات امام و تعریف امامت (قندوزی، ۸۲/۱).
- عصمت امامان اهل بیت (طوسی، الامالی، ۵۱۶).
- فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام برای جنگ با سه گروه ناکثین، قاسطین و مارقین (شاشی، ۱۳۴۲).
- وعده ظهور نهمین فرزند امام حسین علیه السلام (صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ۶۸/۱).

از روایات معتبر و نیز مجموع دیگر روایات و شواهد و قراینی مانند تصریح رجالان اهل سنت به تشیع وی (مزی، ۷۵-۷۶) با تعبیری مانند رافضی خبیث (مزی، ۸۱/۱۸)، استفاده می‌شود که اباصلت از شیعیان مخلص و اصحاب خاص امام

رضا علیه السلام بوده است چنان که ابن شهر آشوب (۴۴۸/۳) اباصلت را در ردیف بزرگانی چون علی بن یقطین، علی بن مهزیار و ریان بن الصلت ذکر کرده است. شمار احادیثی که او از امام رضا علیه السلام بیان کرده و در مصادر شیعی چون عیون اخبار الرضا، الامالی صدوق ضبط شده، دلیل محکمی است بر جایگاه خاص او.

همراهی و مصاحبت طولانی اباصلت با امام رضا علیه السلام و این که از اصحاب سرّ امام علیه السلام بوده دلیلی دیگر برای اثبات شیعه بودن اوست و یک سنی مذهب هر چند با سعه صدر و تسامح فراوان نمی تواند این مدت و در چنین وسعتی امام علیه السلام را همراهی کند. کشش معنوی و علاقه ای که او به پیشوای شیعیان داشت وی را به سوی امام می کشاند و از این هم نشینی لذت می برد. عشق و علاقه فراوان اباصلت به آن حضرت باعث شد راوی احادیث بی شماری در فضیلت معصومانو خصوصا بیان کرامات امام رضا علیه السلام باشد. طبیعی است که در آن فضای شیعه ستیزانه، کسی نمی تواند بدون پشتوانه اعتقادی که از عمق جانش برخاسته عمر خود را در این راه صرف کند (نک. حسینی، حسن و همکاران، ۶۴-۶۷).

در نگاه اباصلت، امام رضا علیه السلام به عنوان عالم آل محمد صلی الله علیه و آله بود که زبان های مختلف مردم را می دانست و فصیح ترین مردم بود (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۲۵۱/۱). اباصلت از قول محمد بن اسحاق بن موسی بن جعفر علیه السلام روایت می کند که امام کاظم علیه السلام به فرزندان خود فرمود این برادر شما، علی، عالم آل محمد صلی الله علیه و آله است. در مسائل دینی به او مراجعه کنید و هر چه گفت قبول کنید زیرا من از پدرم جعفر بن محمد علیه السلام شنیدم که چند بار فرمود عالم آل محمد صلی الله علیه و آله در نهاد توست. کاش او را درک می کردم. او هم نام امیرالمؤمنین علی علیه السلام است (طبرسی، ۶۴/۲؛ اربلی، ۱۱۰/۳-۱۱۱). امام نیز به اباصلت اعتماد داشت و ضمن این که اغلب او را با کنیه خطاب می کرد (برای نمونه نک. صدوق، الامالی، ۴۶۰ - ۴۶۱)، اسرار خاص را با وی در میان می گذاشت که خبر شهادت نمونه آن است.

۵. تغییر مذهب اباصلت:

بر اساس شواهد گوناگون به نظر می رسد اباصلت از اهل تسنن بوده اما بعدها مستبصر شده، و به مذهب شیعه گرویده است. به گفته خود اباصلت، او از کودکی مدت سی سال برای شنیدن حدیث نزد سفیان بن عیینة - از کبار علمای اهل تسنن - رفت و آمد

سعيد طاووسى مسرور، عليرضا دهقانى

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۵۳

داشته است (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۴۴۸/۱۱) و این تداوم شاگردی نزد یک عالم سنی مشهور نشان‌دهنده سنی بودن اباصلت در آن دوره از حیاتش است. به علاوه اگرچه او در سرخس به ولایت امام رضا علیه السلام اقرار کرده، اما همین گفت‌وگوی او با امام در سرخس (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۸۳/۲-۱۸۴) نشان می‌دهد که زمان چندانی از شیعه‌شدن وی نمی‌گذشته، زیرا شبهه‌ای از زبان مردم شنیده بوده (درباره این شبهه نک. جعفریان، ۵۴۲ - ۵۴۵) و برای خودش هم شبهه شده‌بود- که امامان مردم را بردگان خود می‌دانند و در این باره از امام علیه السلام سؤال کرده (غلامعلی، ۷۹).

شاهد دیگر سنی بودن او پیش از گروش به مذهب امامیه، این است که در کل از اجداد او در منابع سنی در قیاس با منابع شیعی مطالب بیشتری نقل شده است و شاید یکی از دلایلی که شیخ طوسی وی را از عامه قلمداد کرده‌است، همین واقعیت بوده‌باشد (حسینی، حسن و همکاران، ۱۶). روایات فراوانی که او از مشایخ متعدد سنی خود نقل کرده نیز شاهی است که حدود نیمی از عمرش را به پیروی از مذهب اهل تسنن گذرانده‌است.

به نظر می‌رسد اباصلت پس از گروش به تشیع، شیعه معتدلی بوده و در عین اظهار تشیع و مرزبندی با اهل تسنن، با آنان تعامل داشته که شاهدش، چنان‌که گذشت، دیدگاه موافقان او در میان اهل تسنن است. احمد بن سیار بن ایوب مروزی (۱۹۸ - ۲۶۸) از علمای اهل تسنن معاصر با اباصلت، او را چنین وصف کرده است: «شخصی پارسا، اهل ریاضت و از معدود افراد زاهد بود. وی با آرای مرجئه، جهمیه، قدریه و زنادقه مبارزه و نظرات آنان را رد می‌کرد. وی به کلام شیعه آشنا بود ولی در آن افراط نمی‌کرد. ابوبکر و عمر را بر دیگران مقدم می‌داشت. علی علیه السلام و عثمان را دوست داشت و از اصحاب پیامبر به نیکی یاد می‌کرد و می‌گفت این مذهب و عقیده من است که خدا به آن امر کرده است» (خطیب بغدادی، ۴۸/۱۱، ۴۹؛ مزی، ۷۵/۱۸-۷۶). اگر گزارشی را که پیش از این آوردیم که نشان‌دهنده مخالفت اباصلت با عثمان بود در کنار توصیف احمد بن سیار که مربوط به پس از شیعه شدن اباصلت است کنار هم قرار دهیم، می‌توان نتیجه گرفت که اباصلت گاهی در مواجهه با برخی از اهل تسنن تقیه می‌کرده است و از این جهت ممکن است در نزد برخی شیعیان متهم به تسنن شده باشد، چنان‌که در رجال طوسی به عنوان فردی عامی ثبت شده‌است (جعفریان، ۵۷۳).

نکته دیگری که در کلام احمد بن سیار شایان توجه است مبارزه اباصلت با فرق منحرف است. او پس از شیعه شدن با بهره‌مندی از تعالیم امام رضا علیه السلام در مواضع مختلفی اندیشه‌های کلامی خویش را تبیین کرده که نشان‌دهنده استواری اعتقاد او به مذهب امامیه است. تسلط و احاطه‌ای که اباصلت در کلام شیعه داشته (خطیب بغدادی، ۴۹/۱۱) و با استفاده از آن همواره پیروز میدان مناظرات کلامی بوده، تنها از عهده کسی برمی‌آید که خود از خواص شیعه باشد. برخی از روایات و مواضع کلامی منقول از او از این قرار است:

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۵۴

- تلقی صحیح از وجه الله و نفی تشبیه و تجسیم (صدوق، الامالی، ۴۶۱؛ همو، التوحید، ۱۱۸).
- قول و عمل و نیت باید مطابق با سنت باشد (طوسی، الامالی، ۳۳۷). این روایت نشان می‌دهد که او به پیروی از سنت و دوری از عمل مطابق قیاس و استحسان عقیده داشته‌است.
- این روایت که "ایمان جز عقد به قلب، لفظ به لسان و عمل به جوارح نیست" با اسانید متعدد و با الفاظ مشابه در منابع شیعه و سنی نقل شده است (برای نمونه نک. صدوق، عیون اخبار الرضا، ۲۲۷/۱؛ همو، معانی الاخبار، ۱۸۶؛ مفید، الامالی، ۲۷۵؛ ابن ابی جمهور، ۱۸۳/۱). این روایت ردی بر نظر مرجئه است (نک. اکبری، ۳۱-۳۷) که نزد آنان ایمان مهم است و به عمل مطابق ایمان توجه نمی‌شود (شهرستانی، ۱۶۲/۱).
- قدریه معتقد بودند انسان در انجام تمام کارها اختیار تام دارد (شهرستانی، ۵۶/۱). اباصلت با این فرقه مبارزه کرد و از امام رضا علیه السلام نقل کرد که افعال بندگان مخلوق و مقدر است (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۳۵/۱، ۳۱۵).
- عصمت انبیا: اباصلت مناظره امام ۷ با علی بن محمد بن جهم را درباره آیات قرآن که موهم نفی عصمت از انبیا: است نقل کرده (همو، ۱۹۲/۱ - ۱۹۵) که نشان می‌دهد عقیده اکثر اهل سنت در این باره را نپذیرفته‌است.

نتیجه

از مجموع مباحث ارائه شده این نتیجه به دست آمده که اباضیت اگرچه در حدود نیمی از عمرش از اهل تسنن بوده اما به مذهب امامیه گرویده و در باقی عمرش در شمار اصحاب خاص و ملازمان امام هشتم علیه السلام بوده است. درباره وثاقت وی نیز باید گفت که با توجه به توثیق نجاشی که بزرگترین رجالی امامیه و نسبت به طوسی اثبت و اتقن است و نیز قراین لفظی و محتوایی بسیاری از روایات، اطمینان به وثاقت وی حاصل می شود، چنان که غالب رجالیان امامیه نیز بر همین نظرند.

پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

منابع

- ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه، تحقیق مجتبی عراقی، قم، دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵.
- ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد، کتاب الجرح و التعديل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، قاهره، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، بی تا.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد، المنتظم، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء و مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲.
- ابن حبان، ابوحاتم محمد، الثقات، به کوشش السید شرف الدین احمد، [بیروت]، دار الفکر، ۱۳۹۵.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین احمد بن علی، الاصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق عادل احمد عبدال موجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵.
- _____، تهذیب التهذیب، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۴.
- _____، تقریب التهذیب، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۵.
- _____، کتاب المجروحین، بی جا، دارالصمیمی، ۱۴۲۰.
- _____، لسان المیزان، تحقیق عبد الفتاح ابو غدة، بیروت، دار البشائر الاسلامیه، ۲۰۰۲.
- ابن داوود حلی، تقی الدین حسن بن علی، کتاب الرجال، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.

پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۵۶

سعيد طاووسى مسرور، عليرضا دهقانى

- ابن شاهين، تاريخ اسماء الثقات ممن نقل عنهم العلم، تحقيق عبدالمعطى امين قلعجى، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٠٦.
- ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن على، مناقب ال ابى طالب، قم، علامه، ١٣٧٩ ش.
- ابن شهيد ثانى، حسن بن زين الدين، التحرير الطاووسى، تحقيق فاضل جواهرى، قم، مكتبة اية الله المرعشى، ١٤١١.
- ابن طاووس، سيد على بن موسى، ، فلاح السائل ونجاح المسائل، قم، دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه، [بى تا].
- ابن عدى، الكامل فى ضعفاء الرجال، تحقيق يحيى مختار غزاوى، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، تهران، ١٤٠٩.
- ابن عساكر، على بن حسن، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق على شيرى، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤٠٩.
- ابن كلبى، هشام بن محمد، جمهرة النسب، تحقيق ناجى حسن، [بى جا]، عالم الكتب، ١٤٠٧.
- ابن ماجه، محمد بن يزيد، سنن، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقى، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، بى تا.
- ابن نجار، محمد بن محمود، المستفاد من ذيل تاريخ بغداد، تحقيق مصطفى عبدالقادر يحيى، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٧.
- ابوالفرج اصفهانى، على بن حسين، مقاتل الطالبين، تحقيق سيد احمد صقر، بيروت، دارالمعرفة، بى تا.
- ابونعيم اصفهانى، كتاب الضعفاء، مندرج در نرم افزار جوامع الكلم.
- اربلى، على بن عيسى، كشف الغمة فى معرفة الائمة، تحقيق هاشم رسولى محلاتى، تبريز، بنى هاشمى، ١٣٨١ ش.

- اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳.
- استرآبادی، محمد بن علی، منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال، قم، مؤسسه ال البيت لاحیاء التراث، ۱۴۲۲.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن، مطلع الشمس، تهران، فرهنگسرا، ۱۳۶۸ش.
- اعرجی، محسن، عدة الرجال، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵.
- اکبری زبیدی، غلامرضا، بررسی زندگی عبدالسلام بن صالح خواجه اباصلت هروی، بی جا، مؤسسه انتشاراتی الشمس، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.
- امینی، عبدالحسین، الغدير فی الكتاب و السنة و الادب، قم، مرکز الغدير للدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۶.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین، کتاب الصوم، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری، ۱۴۱۳.
- بحرالعلوم، محمدمهدي بن مرتضی، الفوائد الرجالية، تحقیق محمدصادق بحرالعلوم، تهران، مكتبة الصادق، ۱۳۶۳ش.
- بحرانی، یوسف بن احمد، الحقائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۴۰۵.
- بروجردی، حسین، نهاية التقرير، تقرير محمد فاضل لنکرانی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، بی تا.
- بصیری، حمیدرضا و منایی، فرشاد، «علل جرح راویان مشترک امام رضا در احادیث فریقین با تاکید بر عوالم العلوم»، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۲۹۰، زمستان ۱۳۹۲.
- بنی فضل، مرتضی، مدارک تحریر الوسيلة-کتاب الصوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۲.

سعيد طاووسى مسرور، عليرضا دهقاني

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۵۹

- بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض، مشهد، دانشگاه فروسی، ۱۳۵۶ ش.
- جزائری، عبدالنبی، حاوی الاقوال فی معرفة الرجال، بیروت، ریاض الناصری، چاپ اول، ۱۴۱۸.
- جعفریان، رسول، حیات فکری - سیاسی امامان شیعه - علیه السلام -، تهران، نشر علم، ۱۳۹۱ ش.
- جوزجانی، ابراهیم بن یعقوب، احوال الرجال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵.
- حاج منوچهری، فرامرز، «ابوالصلت هروی»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، تاریخ نیشابور، ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، با مقدمه شفیعی کدکنی، تهران، آگه، ۱۳۷۵ ش.
- _____، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۱.
- حائری مازندرانی، ابوعلی محمد بن اسماعیل، منتهی المقال فی احوال الرجال، قم، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۶.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹.
- حسینی، حبیب‌الله، پژوهشی درباره اباصلت هروی (مذهب و شخصیت)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۹ ش.
- حسینی، حسن؛ رضایی برجکن، اسماعیل؛ پاکدامن، محمدحسن، اباصلت راوی افتاب، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۱ ش.
- حکیم، سید محسن، مستمسک العروة الوثقی، قم: دارالتفسیر، ۱۴۱۶.
- حلی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام الشرعیة، تحقیق ابراهیم بهادری، قم، مؤسسه امام صادق - علیه السلام -، ۱۴۲۰.

- _____، خلاصة الاقوال، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱.
- حموی، یاقوت، معجم الادباء، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، سروش، ۱۳۸۱ ش.
- _____، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵ م.
- خصبی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، بیروت، البلاغ، ۱۴۱۹.
- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، تاریخ بغداد، مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷.
- خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، قم، مرکز نشر اثار شیعه، ۱۴۱۰.
- _____، موسوعة الامام الخوئی، قم، مؤسسة احیاء اثار الامام الخوئی، ۱۴۱۸.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العلمی، چاپ دوم، ۱۴۱۳.
- _____، سیر اعلام النبلاء، تحقیق حسین الاسد، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳.
- _____، میزان الاعتدال، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر، ۱۳۸۲.
- راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹.
- سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، قم، مؤسسه امام صادق-علیه السلام-، ۱۳۹۵ ش.
- سبزواری، عبدالاعلی، مذهب الاحکام، قم، مؤسسة المنار، ۱۴۱۳.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الانساب، بیروت، مؤسسة الکتب الثقافیة، ۱۴۰۸.
- سیستانی، سید محمدرضا، قبسات من علم الرجال، بیروت، دارالمؤرخ العربی، ۱۴۳۷.

سعيد طاووسى مسرور، عليرضا دهقانى

- سيورى، مقداد بن عبدالله، التنقيح الرائع لمختصر الشرائع، تحقيق عبداللطيف حسيني كوهكمري، قم، كتابخانه ايت الله مرعشى، ۱۴۰۴.
- شاشى، ابوسعيد الهيثم، مسند الشاشى، تحقيق محفوظ الرحمن زين الله، مدينة، مكتبة العلوم والحكم، بى تا.
- شبيرى زنجانى، سيد موسى، «ابوالعباس نجاشى و عصر وى (۱)»، نور علم، شماره ۱۱، مرداد ۱۳۶۴.
- شهرستانى، عبدالكريم بن محمد، الملل و النحل، قم، الشريف الرضى، ۱۳۶۴ ش.
- شهيد ثانى (زين الدين بن على عاملى)، موسوعة الشهيد الثانى، قم، المركز العالى للعلوم و الثقافة الاسلامية، ۱۴۳۴.
- شوشترى، محمدتقى، قاموس الرجال، قم، مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۴۱۰.
- صدوق (ابوجعفر محمد بن على بن بابويه)، الامالى، تهران، كتابچى، ۱۳۷۶ ش.
- _____، التوحيد، تحقيق هاشم حسيني، قم، مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۳۹۸.
- _____، الخصال، تصحيح على اكبر غفارى، قم، مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۳۶۲ ش.
- _____، عيون اخبار الرضا عليه السلام، تحقيق مهدي لاجوردى، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸.
- _____، فضائل الاشهر الثلاثة، تصحيح غلامرضا عرفانيان يزدي، قم، كتابخانه داوري، ۱۳۹۶.
- _____، كمال الدين و تمام النعمة، تصحيح على اكبر غفارى، تهران، اسلاميه، ۱۳۹۵.
- _____، معانى الاخبار، تصحيح على اكبر غفارى، قم، مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۴۰۹.

پژوهشنامه تاريخ تشيع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۶۱

- _____، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم،
مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۴۱۳.
- صفدی، خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، به کوشش هلموت ریتز، بیروت، دار النشر
فرانز شتاينر، ۱۴۰۱.
- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، مؤسسه ال البيت، ۱۴۱۷.
- طبسی، محمد حسن، «مذهب اباصلت از نگاه فریقین»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه
اسلامی، سال نهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۸۹.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الامالی، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴.
- _____، رجال الطوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم،
مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۳۷۳ ش.
- _____، العدة فی اصول الفقه (عدة الاصول)، قم، محمدتقی
علاقبندیان، ۱۴۱۷.
- عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الرضا علیه السلام، مشهد، المؤتمر العالمي للامام
الرضا، ۱۴۰۶.
- علوی حسینی، ابوالمحسن محمد بن علی، التذکرة بمعرفة رجال الكتب العشرة، به
کوشش رفعت فوزی عبد المطلب، قاهره، مكتبة الخانجي، ق ۱۴۱۸.
- علوی عاملی، احمد بن زین العابدین، مناهج الاخيار فی شرح الاستبصار، قم،
اسماعیلیان، ۱۳۹۹.
- علیاری تبریزی، علی بن عبدالله، بهجة الامال فی شرح زبدة المقال، تحقیق هدايت
الله مسترحمی، تهران، بنیاد فرهنگ اسلامي کوشانپور، ۱۴۱۲.
- غازی، داوود بن سلیمان، مسند الرضا علیه السلام، تحقیق محمدجواد حسینی
جلالی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، بی تا.
- غلامعلی، مهدی، «اباصلت ره یافته خراسان»، دوفصلنامه حدیث حوزه، شماره ۲،
بهار و تابستان ۱۳۹۰.

سعيد طاووسى مسرور، عليرضا دهقانى

پژوهشنامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۶۳

- غماری شافعی، عبدالعزيز، بیان نکث الناکث، اردن، دار الامام النووی، بی تا.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعلمین، قم، رضی، ۱۳۷۵ ش.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع المودة لذوی القربی، تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی، قم، دارالاسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۶.
- کاظمی، عبدالنبی، تکملة الرجال، تحقیق محمدصادق بحرالعلوم، قم، انوارالهدی، ۱۴۲۵.
- کرباسی، محمدجعفر، اکلیل المنهج فی تحقیق المطلب، تحقیق سید جعفر حسینی اشکوری، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحديث، چاپ دوم، ۱۴۲۶.
- کشی، ابوعمر و محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، تصحیح شیخ طوسی / حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹.
- کلباسی، ابوالهدی، سماء المقال فی علم الرجال، تحقیق محمد حسینی قزوینی، قم، مؤسسه ولی العصر للدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۹.
- کلباسی، محمد بن محمد ابراهیم، الرسائل الرجالية، تحقیق محمد حسین درایتی، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحديث، ۱۴۲۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷.
- گردیزی، عبدالحی، زین الاخبار، تهران، انجمن اثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴ ش.
- مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، چاپ سنگی به خط محمد حسین زنجانی، [نجف]، ۱۳۴۸.
- مجلسی، محمدباقر، الوجيزة فی الرجال، تحقیق محمدکاظم رحمان ستایش، قم، همایش بزرگداشت علامه مجلسی، ۱۴۲۰.
- مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، قم، کوشانپور، ۱۴۰۶.

- محسنی مری، قاسم و پرویز آزادی، "حفص بن غیاث"، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
- محمودی، محمدباقر، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
- مدیرشانه چی، کاظم، «اباصلت هروی»، نامه آستان قدس، شماره ۶، خرداد ۱۳۴۰.
- مدیرشانه چی، کاظم، مزارات خراسان، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۵ ش.
- مزى، ابوحجاج یوسف، تهذیب الکمال، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۶.
- مظفر، محمدحسن، الافصاح عن احوال رواة الصحاح، قم، مؤسسة ال البيت لاحیاء التراث، ۱۴۲۶.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله على العباد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
- _____، الامالی، تصحیح حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
- _____، الفصول المختارة، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
- نباطی عاملی، علی بن محمد، الصراط المستقیم الی مستحقى التقدیم، تحقیق میخائیل رمضان، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۴.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال النجاشی، تحقیق موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۳۶۵ ش.
- نراقی، ابوالقاسم بن احمد، شعب المقال فی درجات الرجال، تحقیق محسن احمدی، قم، کنگره بزرگداشت فاضلین نراقی، ۱۴۲۲.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشيعة فی احکام الشريعة، قم، مؤسسة آل البيت، ۱۴۱۵.
- نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحديث، تهران، بی نا، ۱۴۱۴.

سعيد طاووسى مسرور، عليرضا دهقانى

— هندی، محمد بن حسن، كشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحكام، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۴۱۶.

پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۶۵

